



اساس سوسیالیسم انسان است.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.  
منصور حکمت

شماره ۲۳۶  
۱۱ آذر ۱۳۸۳

# ایسکرا

www.wpiran.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

## خشونت علیه انسان را محکوم می کنیم!



## مراسم بزرگداشت روز جهانی علیه خشونت بر زنان در ساندج

صفحه ۳

## سیزدهمین سالگرد حزب کمونیست کارگری ایران را گرامی بداریم

صفحه ۶

اعتصاب کارگران نساجی کردستان با  
موفقیت پایان یافت

صفحه ۶

پایان موفقیت آمیز دومین اعتصاب  
در نساجی کردستان

صفحه ۳

## سر بر آوردن دوباره ناسیونالیسم کرد در سازمان کردستان حزب کمونیست ایران - کومله



محمد آسنگران  
asangaran@aol.com

ما همیشه گفته ایم که  
سرنوشت کومله برایمان  
مهم است. مهم است که  
این جریان چپ و کمونیست  
بماند. به همین دلیل، در  
جریان انشعاب قبلی از  
کومله ما قویتر،  
رادیکالتر، و با نقدی

صفحه ۲

کومله تغییر پیدا کند. در  
مقابل، رهبری کومله با  
انتشار دوباره قرارها و  
قطعنامه های قبلیشان  
می بر "رای گیری" برای  
این موضوع تاکید کرده  
است که اسم حزب باید  
بماند زیرا رای گیری شده و  
رای آورده است.

اخیراً تعدادی از  
کادرهای کومله طی بیانیه  
ای با "نقد" تاریخ این جریان  
به صرافت این افتاده اند که  
اسم حزب کمونیست ایران  
را بردارند و به اسم کومله  
فعالیت کنند. اینها  
میگویند که این اسم از اول  
هم بی مسما بوده و باید به

## با من به کریدورهای زندان بیایید

(گزارشی از زندان معتادین)

امید از ایران

صفحه ۲

## خود کشی یک سر باز در زندان کامیاران

صفحه ۳

## خواسته های کارگران نساجی کردستان

صفحه ۲

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## سردبیر ایسکرا منصور فرزاد

Tel: 0046 734 484 262  
E.mail:  
mansoorfarzad@yahoo.se

## دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران

tel: 0049 1633458007  
E.mail:  
asangaran@aol.com

## تلوویزیون کانال جدید ۸ تا ۱۰ شب

Satellite: Telstar12

Center Frequency:  
12608MHz

Symbol Rate:19279

FEC:2/3

Polarization:Horizontal

## رادیو انترناسیونال ۹ هر شب

## رادیوی قوی با پوشش سراسری در ایران

صدای آزادی، صدای حقیقت  
صدای کارگر، صدای انسانیت  
به همه طول موج  
رادیو را معرفی کنید

۴۱ متر برابر  
با ۷۴۹۰ کیلو هرتز

## ایسکرا

چهارشنبه ها منتشر  
میشود

## با من به کربدورهای زندان بیایید

در خود کلمه زندان و معتادین جای بسی تعمق است. این زندانها در واقع برای ترك اعتیاد و تحت عنوان "بازپروری معتادین" راه اندازی شده اند.

محیط زندان آن مخوف و تنفر آور است. بهداشت کلمه ای بی معنا و مفهوم است. احترام به حرمت این قربانیان برای مسئولین زندان جایی ندارد. این زندانها که برای ترك اعتیاد در سراسر ایران بر پا است، تقریباً همه مثل هم هستند. مسئولین زندان، با معتادین که قربانیان نظام سرمایه داری اند همچون سگهای ولگرد برخورد می کنند. با من به این زندان بیایید و شاهد باشید که چگونه حق و حقوق ابتدایی صدها هزار انسان در این کشور زیر پا گذاشته می شود. با من بیایید و نگاهی بکنید و ببینید که معتادینی که به این زندانها انتقال داده می شوند، چگونه زیر بار تحقیر و توهین خرد می شوند. ۹۵ درصد از این زندانیان کماکان معتاد هستند

و مسئولین خود همین زندانها وارد کننده مواد مخدر بوده و آنرا با فیتمتهای سنگین به زندانیان در بند می فروشند. زندانیان کارگران بی اجر و مزدی هستند که بطور متوسط روزانه ۸ تا ۱۰ ساعت، برای ماهی ۵ تا ۱۰ هزار تومان کار می کنند. در تعدادی از این زندانها همین ۵ تا ۱۰ هزار تومان را هم به زندانی نمیپردازند.

زندانها از شدت تنهایی به این کارها تن می دهند. افسردگی یکی از بیماریهای رایج است که در چهره زندانیان دیده می شود. میخکوب شده به دور نگاه می کنند. در نگاهشان رازهایی نهفته است. نمی توانی از کنارشان بگذری و به این صحنه ها بی تفاوت باشی. نگاهشان حاکی از یاس و ناامیدی است. پشت میله های زندان انسانهای اسیر اعتیاد، اسیر يك حکومت سراپا توحش را می بینید. بیائید تا گوشه های دیگر زندان معتادین را به شما نشان دهم.

به میله های حیاط زندان نوجوانی را بسته اند. عین مسیح به صلیب کشیده اند و از

مچ دستهای او خون جاری است. این زندانی شب قبل با مسئولین زندان درگیر شده بوده است. مسئولین زندان بشدت وی را کتک زدند، این شیوه "اصلاح کردن" زندانی است. ولی در واقع شکنجه زندانیان است. وی را چنان خرد کرده اند، که راه دیگری برای فرار از این وضعیت ندیده و دست به خودکشی زده است. جمهوری نکبت اسلامی این جوانان را به صلیب می کشد تا درس عبرتی برای سایر زندانیان باشد.

خودکشی در این زندانها آمار بالایی دارد و هیچ موقع سران رژیم آماری از خودکشی در زندانها را ارائه نمی دهند. زندانیانی که دست به خودکشی می زنند و توسط سایر زندانیان نجات پیدا می کنند، تنبیه می شوند. هپاتیت و ایدز يك علت مرگ تدریجی زندانیان است. تعداد زیادی از زندانها آلوده به این بیماریهاست. این جزء اسرار زندان است و کسی نباید خبردار شود. بهمین جهت و عدم رسیدگی تعداد این بیماران هر روز افزایش می یابد.

این سرنوشت زندانیان

معتاد در جمهوری اسلامی و به اصطلاح "بازپروری معتادین" است. با من به آنطرف دیوار زندان بیایید تا خانواده این قربانیان را ببینیم. خانواده هایی که برای ملاقات عزیزانشان می آیند و جلوی در ورودی زندان در انتظار ملاقات نشسته اند. تعداد خیلی کمی را می بینید که با سر و روی مرتبی باشند. فقر را می شود از ظاهرشان دید. اکثر این خانواده ها در فقر مطلق بسر می برند. فقر مطلق به این معنی است که چیزی جز تن خود را ندارند که بفروشند. برای همین خیلی از همسران این زندانیان برای گذران زندگی، به تن فروشی روی آورده اند.

این گزارش از زندان معتادین در ایران است. گزارشی که قلبها را از نفرت سرشار می کند. نفرت از سرشار می کند. نفرت از حکومتی وحشی و ضد انسانی، نفرت از به نابودی کشاندن زندگی میلیونها نفر. به عمر این حکومت باید هر چه زودتر پایان داد.

ادامه دارد

## خواسته های

## کارگران نساجی کردستان

## کارگران و مردم آزادخواه

همچنان که مطلع هستید ما کارگران شرکت نساجی کردستان که یکی از کارخانجات بزرگ سنندج می باشد برای احقاق حقوق خود اخیراً دست به اعتصاب زده بودیم و با اتحادمان توانستیم مدیریت کارخانه را اداره

حرف شنوی از خود کنیم. اکنون مدیریت برای انتقام گرفتن از ما کارگران به جرم شرکت در اعتصاب از يك تا سه روز ماکارگران را کسر حقوق کرده است. مانیز در اعتراض به این حرکت ضد کارگری که آشکارا وادارمان می کنند که از همدیگر حمایت نکنیم تا بیشتر به حقوقمان تجاوز کنند، مجدداً دست به اعتصاب زده ایم و از روز دوم آذر که فیش حقوقیمان را با کسر

حقوق در یافت کردیم دست به تحصن در محل کار زده ایم و اکنون چهار روز است که این تحصن ادامه دارد. عملی رغم حضور نمایندگان اداره کار و امور اجتماعی مدیریت تن به خواسته هایمان نداده است و نمایندگان ما را تهدید نموده که به خاطر این اعتراض آنان را اخراج خواهد کرد. لذا از شما هم طبقه ایمان و مردم آزادخواه خواهان حمایت از خواسته هایمان که

1. باز پرداخت حقوق کسر شده از کارگران به خاطر حمایت از اعتصاب اخیر

2. اعتراض به بر خورد توهین آمیز مدیریت و عوامل آن نسبت به کارگران

3. لغو فشار و تهدید بر شوراها کارگران

4. تعویض اشخاص ضد کارگر از مسئولیت های مدیریتی کارگران اعتصابی نساجی کردستان

## مراسم بزرگداشت روز جهانی علیه خشونت بر زنان در سندج



به مناسبت ۲۵ نوامبر روز جهانی نفی خشونت علیه زنان تشکل های غیر دولتی در شهر سندج در محل سالن فرهنگی فجر تجمع کرده و طومار کمپین اعتراض به خشونت علیه زنان را امضا کردند. در این تجمع تعدادی از زنان سخنرانی کردند و به ابعاد خشونت بویژه خشونت بر زنان، ریشه های خشونت، راهکارهای مبارزه با خشونت، جنبش برابری طلبی زنان، خواست و مطالبات این جنبش، قتل های ناموسی، خشونت و زن ستیزی روشنفکران ناسیونالیست پرداختند. محل برگزاری مراسم با پلاکارد هایی که از طرف کانون دفاع از حقوق کودکان و جامعه حمایت از زنان نصب و روی آنها نوشته شده بود خشونت علیه انسانها را محکوم میکنیم. خشونت بر کودکان را محکوم میکنیم. خواست بشریت متمدن آزادی، عدالت، رفاه و خوشبختی است" مزین شده بود. سخنران های این مراسم دیبا علیخانی عضو کانون دفاع از حقوق کودکان و دبیر کانون جامعه حمایت از زنان، ثریا محمدی عضو

**کانون دفاع از حقوق کودکان**  
**جامعه حمایت از زنان**  
**انجمن کوه نوردی**  
**هه وراز**

## پایان موفقیت آمیز دومین اعتصاب در نساجی کردستان

در پی مذاکرات کارگران و کارفرما با حضور نمایندگان اداره کار و امور اجتماعی در محل کارخانه و تن دادن کارفرما به همه خواسته های کارگران مبنی بر پرداخت همه مطالبات معوقه و لحاظ کردن روزهایی که برای حمایت کارگران اعتصابی دست از کار کشیده بودند و همچنین پنج روز اخیر که کارگران در اعتصاب به سر برده اند به عنوان روزهای کاری و پرداخت

کامل حقوق ماهیانه و عذر خواهی مسئولینی که برخورد ناشایست با کارگران داشته بودند و اطمینان یافتن از اینکه نباید هیچ یک از کارگران از نظر امنیت شغلی به علت دفاع از حقوق کارگران دچار مشکل شوند ساعت ۸ شب روز ۵شنبه اعتصاب پایاين یافت.

یکی از ابعاد مهم این موفقیت علاوه بر مستحکم شدن همبستگی بیشتر بین کارگران تحمیل حق قانونی اعتصاب بود بطوریکه یکی از دلایل کسر حقوق کارگران عنوان کردن این مسئله بود که کارگران به شیوه ای غیر قانونی دست به اعتصاب

زده اند از آنجاییکه اعتصاب در قانون کار جمهوری اسلامی غیر قانونی است اعتصاب اخیر نشان داد که انسجام و اتحاد کارگران میتواند اعتصاب را به عنوان حق انسانی و قانونی کارگران بر کارفرمایان و جمهوری اسلامی تحمیل کند که این موضوع یکی از پایه ای ترین ارکان مبارزه طبقاتی است.

کمیته حمایت از کارگران اعتصابی  
۶/۹/۸۳

## گزارش خود کشی یک سر باز در زندان کامیاران

صبح روز دوشنبه یک سر باز در شهر کامیاران خود کشی کرد. علی مقدم اهل زنجان که به گفته دیگر سربازان چند روز بود که وضع روحی مناسبی نداشت، دست به خودکشی زد. سربازان زندان گفته اند فرماندهان او در زندان بی توجه به وضع روحی وی او را همچنان برای نگهداری تحت فشار میگذاشتند. تا اینکه نهایتاً روز دو شنبه هنگام نگهداری یکی از برجهای زندان کامیاران دست به خودکشی میزنند و در اثر شلیک به خودش این سر باز فوراً جان باخته است. بعد

از این واقعه، سربازان همگی مات و مبهوت شوکه شده بودند و در میان جو خفقان زندان فقط همدیگر را نگاه میکردند. مسئولین زندان فوراً جنازه این سر باز را از محل زندان بیرون بردند. به گفته دوستان این سر باز در زندان کامیاران مسئولین دولت مثل برده از آنها فقط انجام وظیفه میخواهند و بی توجه به وضع زندگی و روحیه سربازان میباشد.

کمیته کردستان حزب کمونیست ضمن تسلیت به خانواده و دوستان علی مقدم از همه سر بازان میخواهد که در مقابل مقامات وحشی و جنایتکار رژیم اسلامی بایستند. راه خلاصی از این فضای خفقان آور در

پادگانها و محلهای خدمت سربازی خود کشی نیست. باید علیه جنایتکاران رژیم اسلامی اعتراض و مقاومت سازمان داده شود. ایجاد فضای دوستانه و کمک به همدیگر باید در میان سر بازان گسترش یابد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۳۸۳ آذر  
۲۶ نوامبر ۲۰۰۴  
تلفن تماس:

۰۰۴۹۱۶۳۳۴۵۸۰۰

۷

asangaran@aol.com

## ادامه سر پر آوردن دوچاره ناسیونالیسم .....

مستدلتر از خود کومله و حزب کمونیست ایران در مقابل جریان سازمان زحمتکشان ایستادیم و آنها را به عنوان یک جریان فالانژیست و راست افراطی، آنطور که هستند، به مردم معرفی کردیم.

اکنون کومله یک بار دیگر از جانب تعدادی ناسیونالیست کرد که بخش از ابتدا نیز مخالف تشکیل حزب بودند، مورد تعرض قرار گرفته است. این اتفاق برخلاف تصور ساده اندیشانه بعضیها یک اختلاف نظر عادی نیست. بلکه تعرض مجدد ناسیونالیسم درون کومله است که فضا را مناسب دیده و با وجود هر اختلافی که با جریان مهتدی داشته باشند، همان مسیر را می‌خواهند طی کنند.

از قبل باید تاکید کنم که این جریان هم همانند جریان مهتدی، جریان جدی و اجتماعی نخواهد شد. اینها با فاصله گرفتنشان رادیکال حزب کمونیست ایران به این نتیجه رسیده اند که هم تاریخ این سازمان را وارونه جلوه دهند و هم اسم آنرا تغییر دهند.

منصور حکمت بعد از انشعاب جریان مهتدی پیشنهاد کرد که کومله به اسم کومله کمونیست فعالیت کند. زیرا نمی‌خواست که جریان زحمتکشان از اسم کومله سواستفاده کند. به یمن مقاومتی که در مقابل این

جریان شد و نامگذاری سازمان زحمتکشان که منصور حکمت آنها را به این اسم خطاب کرد، اکنون کسی آنها را با کومله اشتباه نمی‌گیرد.

سازمان زحمتکشان، با فالانژیسمی که رواج داده، به یک جریان افراطی دست راستی تبدیل شده است. جریانی بی اعتبار و باند سیاهی. اما تاریخ مصرف اینها هنوز به سر نرسیده است. اینها هنوز وردست جلال طالبانی و بارزانی می‌باشند. اینها هنوز می‌توانند مانند عروسک در دست طالبانی در هر شرایطی مورد معامله و بازی قرار گیرند و گرایش ارتجاعی خودشان را رواج دهند.

بی اعتباری سازمان زحمتکشان عملاً میدانی را باز کرده است که جریان ناسیونالیست درون کومله به خود جرات بدهد که یک بار دیگر این راه پیموده شده را امتحان کند. همچنانکه بی کفایتی حزب دمکرات در نمایندگی کردن ناسیونالیسم کرد جریان مهتدی را تشویق کرد که گویا میدان خالی است و باید ناسیونالیسم را بقاءد، این جریان فکر میکند که سازمان زحمتکشان مهتدی هم نتوانست وظایفش را خوب انجام دهد. اینبار آدمهای کمتر منفور اما بی مایه تر از مهتدی می‌خواهند این راه را مجدداً امتحان کنند. بی اعتباری ناسیونالیسم و بی افقی این گرایش یک امر داده شده اجتماعی است. علت شکست و بی

اعتباری پی در پی جریانات رنگارنگ ناسیونالیسم کرد از یک واقعیت اجتماعی پایدار تر ناشی شده است. یک واقعیت مهم اجتماعی در کردستان تغییرات اساسی و اجتماعی است که همه جریانات کوتاه بین از آن غافلند.

جامعه کردستان تغییر کرده است کردستان برای ناسیونالیستهای کرد، همان جامعه ۲۰-۳۰ سال پیش است. در حالی که کردستان امروز کمتر شباهتی با کردستان آن موقع دارد. این اشتباه را جریان انشعابی و محفل آقای مدرسی هم مرتکب شدند و اکنون از اینجا رانده و از آنجا مانده اند.

بر اساس آمار ۶۰ در صد جمعیت ایران بعد از انقلاب ۵۷ چشم به جهان گشوده اند. این جمعیت جوان در کردستان بیش از آنکه تحت تاثیر جریانات ملی و ناسیونالیستی باشد، تحت تاثیر فضای سراسری در ایران است. ناسیونالیسم سنتی و عقب مانده در کردستان هنوز خانه خود را بر مبنای همان داده های ۲۰-۳۰ سال پیش دارد پی میریزد. این بی کفایتی حزب دمکرات و جریان مهتدی نیست که ما تصویر آترا میبینیم. این بی ربطی آنها به جامعه کنونی است، که آنها را بی کفایت به تصویر میکشد.

جریانات ناسیونالیست کرد مثل رژیم جمهوری اسلامی یک تفاوت و اختلاف نسلی تمام عیار با

مردم کردستان دارند. اینها امیال ملای روستا و کدخدای ده را نمایندگی میکنند. اما جوان سنجی و مهابادی و... به یمن دسترسی به ماهواره و اینترنت و انقلاب اینفورماتیک تصویرش از زندگی متفاوت است. زندگی جوانان انگلیس، فرانسه، آمریکا و آلمان تصویر جوانان و بسیاری از مردم کردستان است.

کسی تصویر آینده خود را دوست ندارد از سلیمانیه و هولیر و زاخوی فعلی تحت حاکمیت عشیره های بارزانی و طالبانی بگیرد. حتی جوانان کردستان عراق هم اگر امروز در را به رویشان باز کنند، فکر نمیکنم کسی در آن منطقه بماند. همگی دوست دارند، امکان این را داشته باشند که در جامعه ای مثل اروپا زندگی کنند. هیچ جوان سقزی و مریوانی و... آرزویش "جامانه" و "پوزاوانه" "فرنجنی" کوه و اسلحه نیست. این سنت قدیمی، به تاریخ سنتهای عقب مانده پیوسته است.

حتی خود این ناسیونالیستهای دو آتسه، که در وصف جامانه و سنت اصیل "کردی" آه و ناله میکنند، خودشان دوست ندارند در آن فضای نا امن و عقب مانده زندگی کنند. این نوع زندگی را برای مردم تجویز میکنند که آبشخور آینده شان باشد.

این آن واقعیتی است که جریانات ناسیونالیستی متوجه آن نیستند. این آن

واقعیتی است که بی کفایتی و بی افقی حزب دمکرات و جریان زحمتکشان و... را به تصویر میکشد.

اینها در تاریخ دیگری زندگی و فکر میکنند. کسانی که دورانی شخصیت معتبر بخشهای از مردم بودند، دارند با توقع بازگشت به عقب، مردم مدرن و جوان امروزی را خطاب قرار میدهند. این در حالی است که جوانان کردستان اگر اسم این افراد را هم شنیده باشند با معیار امروزی به سراغ آنها میروند. حرف و عملکرد آنها را با توقعات امروزیشان محک میزنند. کسی که تفکر و تحلیلش از جامعه رنگ و بوی امروزی ندارد، به عنوان یک فسیل میتواند مورد مطالعه جوانان باشد. اما کسی آنها را سرمشق خود قرار نمیدهد، چرا که به آینده تعلق ندارند.

این نقطه ضعف و پاشنه آشیل ناسیونالیسم کرد است. امری که در جریان انشعاب تعدادی از حزب ما نیز، بر آن تاکید کردیم.

شاید در غیاب یک جریان مدرن امروزی و رادیکال اینها نمیتوانستند جلو رشد فرهنگی و سیاسی و اجتماعی جامعه را سد کنند. اما وجود حزب کمونیست کارگری و وجود یک گرایش قوی کمونیستی در جامعه، با اتکا به روندهای روبه جلو جامعه، با اتکا به توقعات جوان امروزی، با اتکا به جنبش کارگری و جنبش برابری طلبانه زنان در دل

## ادامه سر پر آوردن دوباره ناسیونالیسم .....

این جامعه مدرن، اجازه به عقب راندن سیر تحول روبه پیش را نخواهد داد. این يك فاکتور عینی و تعیین کننده است.

اینها از تاریخ خود و نیازهای زمانه خود فاصله دارند. منافع مادی و زمینی هم به آنها اجازه نمیدهد که این واقعیات را آنطور که هست ببینند. به همین دلیل هیچ جریانی از این طیف، آینده روشنی نخواهد داشت.

اینها روندهای مادی و سیاسی و عینی جامعه را نمیخواهند ببینند. یا به عبارت دیگر منافع مادیشان اجازه دیدن را از آنها سلب کرده است.

بر اساس چنین تحلیل و برداشتی و با اتکا به حزب کمونیست کارگری ایران و جنبش قوی رادیکال و چپ در جامعه من با اطمینان میگویم که این جریانات در جامعه کردستان جایگاه جدی ای پیدا نخواهند کرد. در نهایت همه اینها به دور سفره حزب دمکرات جمع میشوند و حزب دمکرات خودش منتظر دعوت به سر سفره بورژوازی پروغرب ایستاده است. پیام مصطفی هجری به بوش مسیر این صف مهجور را به عیان نشان میدهد.

همچنانکه اختلاف نهضت آزادی و چریک اکثریت و دوم خردادیهای داخل و بیرون حکومت اسلامی باهم و اختلاف سنتی اینها با آمریکا مانع این نشده و نیست که

يك جبهه واحد را تشکیل دهند و چشم به انتظار اقدامات بوش باشند. اختلافات فعلی جریانات کردستانی هم مانع از این نیست که با مخالفتشان با رادیکالیسم و انقلاب مردم، به دور يك سفره جمع شوند.

ناسیونالیست های درون کومله که امروز دوباره سر بلند کرده اند، با اتکا به اوضاع فعلی کردستان عراق و در فضای سناریوی سیاهی که آمریکا در عراق ایجاد کرده است، به تقلا افتاده اند تا از قافله عقب نمانند. اینها فکر میکنند که همین فردا پس فردا ممکن است که خوان آمریکا در ایران هم پهن شود. دست و پای همدیگر را له میکنند که خود را به این سفره برسانند. رقابتهای و اختلافات درونیشان هم از اینجا ناشی میشود. اما در تحلیل نهایی همگی به يك سفره چشم دوخته اند. در چنین فضایی است که يك حزب ناسیونالیستی کرد و ملی گرا با يك جریان شبه فاشیستی مثل پان ایرانیستها همدیگر را بغل میکنند و سر تعظیم در مقابل بوش فرود می آورند.

بازی کودکانه و ندانم کاری جریانات حاشیه ای تر و تازه به دوران رسیده ای مثل جریان زحمتکشان و حزب آقای کورش مدرسی ممکن است امروز ددرسهایی برای نزدیک شدن این جبهه به همدیگر فراهم کنند، اما سیر وقایع تاریخی در هر حالت، اینها

را به هم نزدیک میکند. چه در حالتی که بوش و گانگسترهایش پا جلو گذارند و بخواهند که ایران را عراقیزه کنند و چه انقلاب مردم ایران آنها را حاشیه ای تر کند. اینها بالاخره ناچارند که برای گرفتن يك کرسی و اعطای يك پاسگاه به آنها کنار هم قرار گیرند تا ادای بارزانی و طالبانی را در بیاورند.

اما بر خلاف تصور و امیال این جریانات، اوضاع سیاسی ایران سیر متفاوتی را طی میکند. چپ در جامعه قویتر و اجتماعی تر از آن است که میدان مانوری به اینها بدهد. مردم آزادیخواه و در راس آنها حزب کمونیست کارگری با سازمان دادن و رهبری انقلاب ایران تا همین حالا هم سدهای محکمی در مقابل جریانات عقب مانده و غیر مسئول ایجاد کرده است. مبارزات کارگران و اقشار تحت ستم جامعه وارد فاز تازه ای شده و ناقوس مرگ جمهوری اسلامی را با قدرت بیشتری به صدا در آورده است. جنبش انقلابی مردم ایران میروند که همه سناریوهای ضد اجتماعی اینها را در مسیر خود خنثی کند.

اتفاقات درون کومله را باید در متن چنین فضای سیاسی و اجتماعی بررسی کرد.

آیا راه برون رفتی برای کومله هست؟ کومله متأسفانه هنوز با تئوری انتظار به تحولات اجتماعی و به تبع آن به اختلافات درونی خودش مینگرند. هنوز متوجه

ابعاد قضیه نیست. به همین دلیل یکی از اعضای رهبریشان اعلام میکند که هفت نفر صادر کننده بیانیه اخیر برای تغییر نام حزبشان هنوز کادرهای آن حزیند و دارند کارشان را میکنند و... گویا کسی گفته است که آنها کادر آن حزب نیستند. رفقای کومله تاکنون فرصتهای تاریخی مهمی را از دست داده اند. یکی از آن فرصتها مقطع جدایی جریان مهتدی بود. در آن مقطع منصور حکمت پیشنهاد کرد که اجازه ندهید اسم کومله را يك جریان ارتجاعی صاحب شود. به اسم کومله کمونیست فعالیتتان را از سر بگیرید. این دوستان متوجه نشدند و از کنار آن گذشتند. همان موقع منصور حکمت اعلام کرد که صد در صد باقیمانده این جریان باز هم از درون کومله سر بلند میکنند. اکنون داریم همگی می بینیم این پیش بینی درست بود. رهبری کومله آن موقع اعلام کرد که آنها برخوردشان به مهتدی و سازمان زحمتکشان با کمونیست کارگريها فرق میکند. آنها پز آدمهای "معقول" به خود گرفتند، اما بغل دستشان کل تاریخ حزب کمونیست ایران را به حراج گذاشته بودند. ما از آن تاریخ دفاع کردیم. ما جریان زحمتکشان را افشا و جایگاه واقعییشان را به جامعه معرفی کردیم. اگر اکنون سازمان زحمتکشان جایگاهی پیدا نکرده است به یمن سیاستهای رادیکال و تحلیل درست ما از آنها

بود. آنها راهمان طور که بودند به جامعه معرفی کردیم. همان موقع کومله حاضر نبود این جریان افراطی ناسیونالیست کرد را با اسم و ماهیت واقعی اش به مردم معرفی کند. هنوز تلاش میکردند که آن صف عقب مانده و فالانژ را در میان خود نگهدارند. این اشتباه را در مورد باقی مانده آن صف دوباره دارند تکرار میکنند.

جواب بیانیه این هفت نفر تکرار قرار و مدار تشکیلاتی نیست. با وجود آن قرار و قطعنامه ها آنها این بیانیه را نوشته اند. اینها به يك تاریخ حمله کرده اند. يك تاریخ را وارونه جلوه داده اند. اینها با این عملشان دارند صف خودشان را سروسامان میدهند. اینکه میتوانند یا نه، بستگی به این دارد که کمونیستها و مخالفین آنها چکار میکنند.

راه برون رفت کومله از این اوضاع بستگی به سیاستی دارد که کومله در پیش میگیرد. مقابله با این روند که هر از چند گاه تعدادی ناسیونالیست سر بر آورند و بخشی از تشکیلاتشان را با خود ببرند، سکوت و تئوری انتظار نیست. راهش تعرض به ناسیونالیسم در ابعاد وسیع و اجتماعی است. تنها راهی که جلو روی کومله قرار دارد این است که با سیاست چپ و رادیکال در مقابل و علیه ناسیونالیسم با قاطعیت بایستد. کومله اگر با قاطعیت تعرض سیاسی را علیه ناسیونالیستهای

## سیزدهمین سالگرد حزب کمونیست کارگری ایران را گرامی بداریم!

سیزدهمین سالگرد حزب خودتان را در جمع ها و محافلتن به هر شکل که میتوانید جشن بگیرید. بر در و دیوار بنویسید زنده باد حزب کمونیست کارگری، زنده باد

سوسیالیسم! آرم حزب باید بر دیوارهای شهر نقش ببندد. حزب کمونیست کارگری حزب شما مردم است. حزب کمونیست کارگری در صف مقدم اعتراض مردم

آزادخواه، پرچم آزادی، برابری، حکومت کارگری را در مبارزه علیه جمهوری اسلامی و دشمنان رنگارنگ مردم برافراشته است. حزب کمونیست کارگری نماینده شما زنان و مردان و جوانانی است که سر هیچگونه سازشی با فقر و تبعیض و خفقان و استثمار

و سرکوب سیاسی و پامال کردن حقوق انسانی ندارید. حزب کمونیست کارگری حزب نماینده لغو بردگی مزدی، نماینده سوسیالیسم و نماینده حق طلبی شما کارگرانی است که به چیزی کمتر از آزادی، برابری و رفاه اجتماعی رضایت نمیدهید. حزب کمونیست کارگری

صدای شما کارگران و آزادیخواهانی است که سوسیالیسم را هدف قرار داده اند و از این جهان وارونه و نابرابر و پر از تبعیض بیزارند.

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید. زنده باد سوسیالیسم!

## اعتصاب کارگران نساجی کردستان با موفقیت پایان یافت

کارگران موفق شدند مطالباتشان را به کارفرما تحویل کنند. بعد از چهار روز اعتصاب، کارگران نساجی کردستان توانستند خواستهای خود را به حکومت و کارفرما تحویل کنند. مقامات حکومت که متوجه شدند تهدیدهایشان قادر به عقب راندن کارگران نیست

پیشنهاد مذاکره دادند و شب گذشته پنجم آذر ماه مسئول اداره کار جمهوری اسلامی شخصی بنام "جهان بینی" بهمراه هیئتی از مدیریت کارخانه با نمایندگان کارگران به مذاکره پرداختند. مذاکرات به مدت یک ساعت ادامه یافت و نهایتاً با پافشاری کارگران، کارفرما به خواستهای کارگران گردن گذاشت. کارفرما متقبل شد دستمزد چهار روز اعتصاب کارگران را تماماً

پرداخت کند. علاوه با پرداخت ۴۰ در صد حق اضافه کاری و کار در روزهای تعطیل که پرداخت آن خواست کارگران بود، موافقت کرد. در مورد دستمزد دو روز اعتصاب دور قبلی کارگران، قرار شد بعد از بررسی یک کمیسیون بنام کمیسیون کار، به کارگران پاسخ داده شود. این کمیسیون متشکل از مسئولین اداره کار، استانداری، کارفرما و نمایندگان منتخب کارگران است. کارگران برای پرداخت این دو روز

یک هفته به کارفرما مهلت دادند. حزب کمونیست کارگری ایران پیروزی کارگران نساجی کردستان را شادباش میگوید. عزم کارگران نساجی برای بیرون کشیدن حقوق خود از حلقوم کارفرما و اتحاد و همبستگی کارگری و مردمی وسیعی که حول این مبارزه شکل گرفت، قابل ارج بسیار است و بی تردید نقطه اتکایی برای پیشروی های بسیار بزرگتر کارگران در برابر کارفرمایان و حکومتشان

خواهد بود. بویژه گرفتن دستمزد روزهای اعتصاب که تحمیل ضمنی حق اعتصاب برای کارگران را معنی میدهد یک دستاورد مهم این مبارزه برای همه کارگران است.

آزادی برابری حکومت کارگری مرگ بر جمهوری اسلامی

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۶ آذر ۱۳۸۳ برابر با ۲۶ نوامبر ۲۰۰۴

## ادامه سر پر آوردن دوباره ناسیونالیسم .....

درون خودش سازمان بدهد امکان شکست آنها هم از لحاظ سیاسی و هم از لحاظ تشکیلاتی ممکن است. در این مقطع تحت فشار ناسیونالیسم کرد که دوباره از درون سر بلند کرده است، تغییر اسم حزب کمونیست ایران امتیازی برای آنها به

حساب میآید. در قدم اول این تعرض را باید قاطع جواب داد. کومه سازمانی است که از انقلاب، شورا و سوسیالیسم دفاع میکند. با هر تعبیری که از آن داشته باشد اینها فاکتورهای مهمی برای یک سازمان چپ است. بعد از به عقب راندن این تعرض راست، این تشکیلات باید واقع بینانه بنشیند و منافع درازمدت

خود را بررسی نماید. مساله امروز کومه له مثل مورد قبل و انشعاب جریان مهتدی، اساساً سیاسی است و راه حل سیاسی دارد. اساس راه حل هم تعرض به ناسیونالیسم کرد است. در مورد اسم باید گفت، گرچه ما هنوز هم کومه له کمونیست را اسم مناسب تری از حزب کمونیست ایران میدانیم ( از یکسو برای آنکه نام کومه له را

ناسیونالیستها مصادره نکنند و از سوی دیگر برای اینکه کومه له امروز عملاً و واقعاً یک حزب سراسری نیست) اما ناسیونالیستهای درون کومه له بدلائیل دیگری میخواهند اسم حزب را عوض کنند. در این شرایط باید در برابر آنها ایستاد و با تعرض سیاسی جوابشان را داد. اگر کومه تصمیم بگیرد که با سیاستی

رادیکال و چپ تحت عنوان کومه کمونیست فعالیت کند میتواند تاثیر مثبتی بر فضای سیاسی کردستان داشته باشد. اگر چه کومه فرصت را از دست داد، اما این راهی اصولی است که هنوز به روی کومه باز است. با این وجود حتی در شکل و قامت فعلی هم، گرایش ناسیونالیستی هیچ حقانیتی در تعرض به این سازمان ندارد. نوامبر ۲۰۰۴

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!